

کتاب دانی ایل — نمبر بانیس

آشکارسازی مناقشه نبوی: روش شناسی باران آخر و بحران نهایی

Jeff Pippenger

2023-12-17

روشی که از جانب خدا تأیید شده است، به طور مشخص در فصل‌های بیست‌وهشتم و بیست‌ونهم اشعیا معرفی می‌شود، جایی که این روش به صورت «حکم بر حکم» نمایش داده شده است. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آن فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد، و بدین سان، فرودی را که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ انجام داده بود، تکرار کرد. در هر دو مورد، پس از فرود او، بابل سقوط کرده شناخته شد، و دعوتی صادر گردید، و به زودی بار دیگر نیز صادر خواهد شد، تا کسانی که هنوز در مشارکت او هستند، از آن بیرون آیند. در هر دو مورد، واقعه‌ای که پیشگویی را تحقق بخشید، تأثیری جهانی داشت؛ زیرا همان‌گونه که پیام فرشته اول در سال ۱۸۴۰ به «هر ایستگاه بشارتی در جهان» رسانده شد، تمام جهان نیز از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ متأثر شد و آن را درک کرد. نبوتی که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تحقق یافت، نبوتی بود که مهاری را که بر اسلام وای دوم نهاده می‌شد مشخص می‌ساخت، و بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز مهاری بر اسلام وای سوم نهاده شد.

۱۱ اوت ۱۸۴۰ نمایانگر اقتداربخشیدن به پیامی است که در زمان آخر، در سال ۱۷۹۸، مهرگشایی شد؛ و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمایانگر اقتداربخشیدن به پیامی است که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، مهرگشایی شد. قاعده اصلی جنبش فرشته اول در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأیید شد، و آن قاعده اصل «یک روز به جای یک سال» بود. قاعده اصلی جنبش فرشته سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأیید شد. این قاعده بدین معناست که حقیقت از طریق آوردن «خط بر خط» استوار می‌گردد، و نشان می‌دهد که پایان به وسیله آغاز به تصویر کشیده می‌شود، و تاریخ تکرار می‌گردد. رویداد نبوی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نه تنها به وسیله سخنان مستقیم خواهر وایت تثبیت می‌شود، بلکه مهم‌تر از آن، به واسطه این واقعیت که آن وقایع به گونه‌ای کامل با همان نشانه راه در تاریخ میلریتی موازات داشتند. آنچه با رویداد ۱۱ اوت ۱۸۴۰ شناخته شد، چندان تحقق نبوت نبود، بلکه استواری روش شناسی‌ای بود که میلر و همکارانش اختیار کرده بودند.

«این رویداد دقیقاً پیشگویی را تحقق بخشید. هنگامی که این امر آشکار شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش برگزیده بودند، متقاعد شدند، و تحرکی شگفت‌انگیز به جنبش ظهور داده شد. مردان اهل دانش و صاحب‌منصب با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ این کار به سرعت گسترش یافت.»
نبرد عظیم، ۳۳۵.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که باران اخیر شروع به اندازه‌گیری شدن کرد، «مباحثه» بر سر روش شناسی درست یا نادرست بود و همچنان هست. نبوت‌های جنبش میلری بر هر دو نمودار ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ عرضه شده‌اند؛ نمودارهایی که خواهر وایت آن‌ها را به عنوان اموری که به وسیله خداوند طراحی شده‌اند تأیید می‌کند، و نیز به عنوان تحقق فصل دوم حقوق. پیامی که میلری‌ها ارائه کردند و از طریق «اصول تفسیر نبوی که میلر و همکارانش پذیرفته بودند، و» که پس از آن «شتاب شگفت‌انگیزی» را پدید آورد که پیام فریاد نیمه شب را توان بخشید، بر آن دو نمودار مقدس به تصویر کشیده شده بود. نبوت‌هایی که بر آن دو نمودار مقدس به تصویر درآمده بودند، به وسیله قواعد نبوی میلر شناسایی و تثبیت شده بودند. آن نمودارها تحقق فرمان مذکور در حقوق بودند تا نبوت‌هایی که به وسیله روش شناسی میلر بر «لوح‌ها»، به صورت جمع، تثبیت شده بودند، به گونه‌ای دیداری بازنمایی شوند. فصل دوم حقوق، «مباحثه» فصل بیست‌وهفتم اشعیا را معرفی می‌کند و به طور مستقیم با

آن مرتبط است.

من بر جایگاه دیدبانی خویش خواهم ایستاد، و خویشتن را بر برج قرار خواهم داد، و دیده‌بان خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم، چه پاسخ دهم. حقوق ۱:۲۱.

در این آیه، واژه «توبیخ شد» به معنای «با او مجادله شد» است. حقوق، که نماینده هر دو گروه دیدبانان جنبش فرشته اول و فرشته سوم است، قرار بود با او مجادله شود، و او مایل بود بداند هنگامی که مباحثه آغاز می‌شود چه پاسخی باید بدهد. پاسخ در تاریخ فرشته اول، تهیه دو نمودار مقدس بود، و پاسخ در تاریخ جنبش فرشته سوم، ارائه سلسله نبوی‌ای بود که عنوان آن «دو جدول حقوق» است. نمودارها و آن سلسله بر پایه روشی بنا شدند که در هر یک از آن تاریخ‌های مربوطه به نمایش گذاشته شده است. در حقوق، این روش‌شناسی بیانگر آن چیزی است که دیدبانان برای استوار ساختن پیام به کار می‌برند، و نیز مسئله‌ای را مشخص می‌سازد که مورد «مباحثه» قرار می‌گیرد، و این امر به نوبه خود دو طبقه پرستندگان را پدید می‌آورد.

برج مراقبت خویش خواهم ایستاد، و بر برج خواهم ایستاد، و دیده‌بان خواهم بود تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم چه پاسخ دهم. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن و آشکار بساز، تا هر که آن را می‌خواند، بدود. زیرا رؤیا هنوز برای زمان معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ نماید، منتظرش باش، زیرا یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک جان آن که متکبر شده، در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زیست خواهد کرد. حقوق ۱:۲-۴.

कजैसा, है उठता हो घमण्डति में आत्मा वर्ग दूसरा और, है जाता ठहराया धर्मी द्वारा के वशिवास वर्ग एक जो रखा भरोसा पर कार्यप्रणाली ऐसी ने फ़रीसियों है। गया कयिा नरूपति द्वारा के लेनेवाले चुंगी और फ़रीसी अपने जो था करता प्रतनिधित्व भी का व्यवस्था धार्मकि उस फ़रीसी और, थी आधारति पर परंपरा और रीति हाथ के लोगों उन शासन जसिका, थी करती लागू को तंत्र पदानुक्रमकि एक लएि के रखने बनाए नयितरण पर झुंड स्वयं अंततः परन्तु, थे करते दावा का होने रक्षक के सत्य और प्रजा हुई चुनी की परमेश्वर को अपने जो था में "वविद "भवषियद्वक्तापरक का सत्ताईस अध्याय यशायाह हुए। सहभागी में जाने चढ़ाए पर क्रूस के सत्य के समय उस जो है वे प्रतपिक्षी के" वविद "इस है। में वषिय के कार्यप्रणाली बाइबलीय झूठी और सच्ची स्थापति से दीर्घकाल उस की वशिषज्जो धर्मशास्त्रीय और, है करते अनुसरण का कार्यप्रणाली की एलिय्याह है। जाता पाया में महासभा की समय के मसीह आदरूप जसिका, भी के व्यवस्था

فصل بیست و هفتم مشخص می‌سازد که این «مباحثه» آنگاه آغاز می‌شود که او «بازمی‌ایستد»، یا هنگامی که خدا «باد سخت خود» را در «روز باد شرقی» فرو می‌نشانند. «به اندازه، چون شاخه برآورد، با آن مباحثه خواهی کرد؛ او باد سخت خود را در روز باد شرقی باز می‌دارد. پس بدین وسیله عصیان یعقوب کفار خواهد شد.» واژه «کفار خواهد شد» به معنای آمرزیده شدن است و نمایانگر محو شدن گناه در داوری تحقیقی می‌باشد. آن روشی که مورد مباحثه قرار می‌گیرد، نمایانگر آزمونی است که اگر قرار باشد گناهان قوم خدا محو گردد، باید از آن سرافراز بیرون آمد. روش ایلیا به مثابه یک آزمون، در تاریخ مسیح نمود یافته است؛ جایی که از پیش به ما هشدار داده شده است که در آن زمان، کسانی که پیام یحیی تعمیددهنده را رد کردند (که مسیح او را ایلیا معرفی کرد)، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند.

پیام باران آخر به منزله تعالیم عیسی به تصویر کشیده شده است، زیرا او کلمه است؛ و افزون بر این، باران آخر به منزله «طراوت» نیز به تصویر کشیده شده است، که چنین تعریف می‌شود: «حضور خداوند».

پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را که پیش از این به شما موعظه شده بود، خواهد فرستاد. اعمال ۱۹:۳، ۲۰

خواهر وایت تصریح می‌کند که فرشته‌ای که در مکاشفه فصل دهم نازل شد، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، «کسی جز شخص عیسی مسیح نبود.» بنابراین، فرشته‌ای که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد نیز «کسی جز شخص عیسی مسیح» نبود. نزول او در هر یک از این دو تاریخ، آغاز «مباحثه» نبوی دربارهٔ روش‌شناسی درست یا نادرست را مشخص می‌سازد؛ زیرا این امر به وسیلهٔ کتابی که در دست او بود و قوم خدا مأمور شدند آن را بخورند، به تصویر کشیده شده است. هنگامی که عیسی در جلیل بود، به شاگردان تعلیم داد که باید گوشت او را بخورند و خون او را بنوشند، زیرا در آنجا اعلام کرد که او آن نانی است که از آسمان نازل شده است. او در آنجا بیش از هر مقطع دیگری در خدمت خود، شاگردان بیشتری را از دست داد، و آنان که رفتند، هرگز بازنگشتند. آنان که رفتند، از آن رو رفتند که برگزیدند تعالیم او را با روش‌شناسی نادرست حمل سخنان او بر معنای تحت‌اللفظی‌شان تحلیل کنند، به جای آنکه آنها را در معنای روحانی صحیح به کار برند. «مباحثه» در اشعیا بیست‌وهفت، نشانه‌ای نبوی است که برای اثبات این‌که نمایانگر یک نظام تثبیت‌شده و معترف تحلیل کتاب مقدسی در مواجهه با روش‌شناسی ممثل در پیام‌آور ایللیا است، چندین شاهد دارد.

این، نقطه‌ای معین را در گذار تدریجی عهد پیشین و قوم برگزیدهٔ خدا نشان می‌دهد، و نیز آغاز رابطهٔ عهدی با کسانی را که «در زمان‌های گذشته، قوم خدا نبودند.» «مباحثه»، از همه مهم‌تر، نمایانگر آغاز آن دورهٔ زمانی است که با قانون یکشنبهٔ قریب‌الوقوع به پایان می‌رسد. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز نمایندگی می‌کند، و بدین‌سان خود همان «مباحثه» به نمادی از یکی از گناهان پدران ما بدل می‌شود که باید بدان اذعان و اعتراف شود، تا دعای لاولیان بیست‌وشش تحقق یابد.

دعای دانیال در فصل نهم، نمایانگر آن دعایی است که باید در پایان سه روز و نیم مکاشفه یازده تقدیم گردد. آن دورهٔ زمانی در اشعیا بیست‌وهفت به صورت دوره‌ای به تصویر کشیده شده است که در آن «شهر حصاردار ویران خواهد شد، و مسکن متروک و چون بیابان رها خواهد گردید؛ در آنجا گوساله خواهد چرید، و در آنجا خواهد خوابید، و شاخه‌های آن را خواهد خورد. چون شاخه‌هایش خشک شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را به آتش می‌کشند؛ زیرا این قومی بی‌فهم‌اند؛ از این‌رو آن که ایشان را آفرید بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت بخشید، به ایشان التفاتی نشان نخواهد داد.»

دو شاهد را «هیچ التفاتی» نشان داده نمی‌شود، زیرا پیشگویی کاذبی را اعلام کردند که دورهٔ «بیابان» سه روز و نیم را آغاز کرد. سپس آنان «قومی بی‌فهم» شدند، هرچند پیش‌تر «شهر حصاردار» بودند. آنگاه آن شهر «ویران» شد و «مسکنی» گشت که «متروک» بود. آن به استخوان‌های خشک مرده‌ای بدل شد که در کوچهٔ شهر سدوم و مصر افتاده بودند. سپس هنگامی که به مردگان ندا داده می‌شود که برخیزند، آنان به وسیلهٔ گناهان پدران خویش آزموده می‌شوند؛ که این، «مجادله» در آغاز دوره‌ای را نیز دربر می‌گیرد که با توانمندسازی پیام نخست آغاز می‌شود و با رسیدن پیام سوم پایان می‌یابد. موضوع مجادله این است که آیا روش‌شناسی ممثل در ایللیای تاریخ ایشان پذیرفته شود یا رد گردد. در سال ۱۸۶۳، پدران ادونتیسیم پیام «هفت زمان» موسی را که به وسیلهٔ ایللیا ارائه شده بود، رد کردند.

با آغاز ژوئیهٔ ۲۰۲۳، شاخه‌های خشکیدهٔ اشعیا بیست‌وهفت باید تصمیم بگیرند که آیا گناهان کلیسا در جلیل، و تاریخ ۱۸۶۳، و نیز تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را تکرار خواهند کرد یا نه. رد کردن روش‌شناسی‌ای که در حقوق باب دو، و اشعیا بیست‌وهفت، و در ایللیا، یحیی تعمیددهنده و ویلیام میلر نمود یافته است،

یعنی تکرار کردن گناهان پدران ما، به جای آنکه از نمونه‌های مقدسی که برای کسانی که انتهای جهان‌ها بر ایشان رسیده است به ثبت رسید، بهره‌مند گردیم.

اکنون همه این امور به عنوان نمونه‌ها بر آنان واقع شد؛ و برای تنبیه ما مکتوب گردید، ما که پایان‌های عالم بر ما رسیده است. پس آن که گمان می‌برد ایستاده است، بر حذر باشد مبادا سقوط کند. هیچ آزمایشی شما را فرانگرفته است جز آنچه برای انسان عادی است؛ لیکن خدا امین است، که نخواهد گذاشت بیش از طاقت خود آزموده شوید؛ بلکه همراه آزمایش، راه‌رهایی را نیز فراهم خواهد ساخت تا بتوانید آن را تحمل کنید. بنابراین، ای بسیار عزیزان من، از بت‌پرستی بگریزید. با شما چونان با خردمندان سخن می‌گویم؛ خود درباره آنچه می‌گویم داوری کنید. ۱۰-۱۱-۱۵

مقدس طرز کار نصف اللیل کے نعرے کا پیغام قائم کرتا ہے، جو بارانِ اخیر کا پیغام ہے۔ یہ پیغام، جب روحانی طور پر کھایا جائے، تو لازماً اُس کے مطابق ایک تجربہ پیدا کرتا ہے، جس طرح دانی ایل اور اُس کے تین رفیقوں کی دال کی غذا نے زیادہ شاداب اور فربہ چہرہ پیدا کیا۔ لیکن حقوق باب دو میں، اُن لوگوں کے لیے جو ایمان کے وسیلہ سے راستباز ٹھہرائے جانے کی پیشکش کو رد کرتے ہیں، ٹھوکر کا باعث تکبر ہے، جو انہیں خداوند کو جاننے کے لیے آگے بڑھنے سے باز رکھتا ہے۔ اگر کبھی ایسا وقت ہے کہ خدا کے لوگ سچے مقدس طرز کار کو قبول کرنے کے کام کو ملتوی نہیں کر سکتے، اور فرشتے کے ہاتھ سے پیغام کو نہیں کھا سکتے، تو وہ اب ہے!

”ما نباید در انتظار بارانِ آخر بمانیم. این باران بر همه کسانی می‌آید که شبنم و بارش‌های فیض را که بر ما فرو می‌ریزد، تشخیص دهند و آن را از آن خود سازند. هنگامی که پاره‌های نور را گرد می‌آوریم، هنگامی که رحمت‌های یقینی خدا را—که دوست دارد ما بر او توکل کنیم—گرامی می‌داریم، آنگاه هر وعده‌ای تحقق خواهد یافت. «زیرا چنان که زمین غنچه خود را بیرون می‌آورد، و باغ چیزهای کاشته شده در آن را می‌رویاند، همچنین خداوند یهوه عدالت و حمد را در برابر همه امت‌ها خواهد رویانید.» اشعیا ۶۱:۱۱. تمامی زمین باید از جلال خدا پر شود.“ تفاسیر کتاب مقدس ادونتیس‌های روز هفتم، جلد ۷، ص. ۹۸۴.

کلام نبوی خدا آشکار ساخته است که هنگامی که بناهای عظیم شهر نیویورک فرو افکنده شوند، فرشته مکاشفه هجده فرود خواهد آمد و «مکاشفه هجده، آیات یک تا سه، به انجام خواهد رسید.» اشعیا بیست و هفت آن زمان را «روز باد شرقی» معرفی می‌کند، و آن زمانی است که «باد تند» بازداشته می‌شود. «به اندازه، چون آن را روانه سازد، با آن محاجه خواهی کرد؛ او باد تند خود را در روز باد شرقی باز می‌دارد.» خواهر وایت همان زمان را نیز معین می‌سازد.

«در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، مصیبت بر زمین خواهد آمد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال مهار خواهند گردید تا از کار فرشته سوم جلوگیری نکنند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی و انتعاش از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قوت بخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر فرو ریخته خواهد شد، پایدار بمانند.» Early Writings, 85.

قدرتی که ملت‌ها را به خشم آورد، هنگامی پدیدار شد که بارانِ آخر آغاز به باریدن کرد. اما به محض آنکه آن قدرت ملت‌ها را به خشم آورد، مهار شد، زیرا اشعیا ثبت کرده است که او «باد سخت خود را باز می‌دارد». باد سخت، همان باد شرقی است، و آن باد زمانی بازداشته می‌شود که بارانِ آخر آغاز به باریدن می‌کند و کار نجات در حال پایان یافتن است. کار پایانی نجات، زمان مهر کردن است. «حکم بر حکم» آن باد سخت، یا باد شرقی، که در هنگام مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر بازداشته می‌شود، همان چهار باد مذکور در مکاشفه فصل هفت است.

اور ان باتوں کے بعد میں نے چار فرشتے زمین کے چاروں کونوں پر کھڑے دیکھے، جو زمین کی چاروں ہواؤں کو تھامے ہوئے تھے، تاکہ نہ ہوا زمین پر چلے، نہ سمندر پر، اور نہ کسی درخت پر۔ پھر میں نے ایک اور فرشتہ مشرق کی طرف سے اوپر آتا ہوا دیکھا، جس کے پاس زندہ خدا کی مہر تھی؛ اور اُس نے بلند آواز سے اُن چار فرشتوں کو، جنہیں زمین اور سمندر کو نقصان پہنچانے کا اختیار دیا گیا تھا، پکار کر کہا، زمین کو نقصان نہ پہنچاؤ، نہ سمندر کو، اور نہ درختوں کو، جب تک ہم اپنے خدا کے بندوں کی پیشانیوں پر مہر نہ کر لیں۔ مکاشفہ 3:1-7۔

مہر شدن یک صد و چهل و چهار هزار تن، به واسطه ورود ظفرمندانہ مسیح به اورشلیم به صورت نمادین پیش‌نمایانده شد. در آنجا، مسیح تنها برای همان یک بار در سراسر زندگی خویش، بر الاغی سوار شد (نمادی از اسلام)، و ایلعازر پیشاپیش کاروان، آن را به درون اورشلیم رهبری کرد. خواهر وایت، ایلعازر را در آن واقعه نمادِ مہر معرفی می‌کند.

«در تأخیر کردن آمدن نزد ایلعازر، مسیح مقصودی از رحمت نسبت به کسانی داشت که او را نپذیرفته بودند. او درنگ کرد تا با برخی زانیدن ایلعازر از مردگان، به قوم سرکش و بی‌ایمان خویش بار دیگر گواهی دهد که به راستی «قیامت و حیات» است. او اکراه داشت که هر امیدی را نسبت به آن قوم، آن گوسفندان فقیر و سرگردان خاندان اسرائیل، از دست بدهد. دل او از سبب بی‌توبگی ایشان در حال شکستن بود. او در رحمت خود قصد داشت یک گواهی دیگر به آنان بدهد که او احیاکننده است، آن یگانه کسی که تنها او می‌تواند حیات و جاودانگی را آشکار سازد. این می‌بایست گواهی‌ای باشد که کاهنان نتوانند آن را بد تعبیر کنند. این علت تأخیر او در رفتن به بیت عنیا بود. این معجزه تاج‌گذار، یعنی برخی زانیدن ایلعازر، می‌بایست مہر خدا را بر کار او و بر ادعای او نسبت به الوهیت بنهد.» آرزوی اعصار، 528، 529.

زمان تأخیری که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز شد، با درنگِ مسیح پیش از آن‌که ایلعازر را برخیزاند، نمود یافته است. زمان تأخیری مکاشفہ فصل یازدهم، در پایان سه روز و نیم به سر می‌رسد. در طی آن ایام، آن دو شاهد در کوچه افتاده و مرده بودند. و همان‌گونه که قرار بود ایلعازر پس از زمانی از تأخیر برخیزانده شود، همچنین دو شاهد یوحنا نیز چنین بودند. چون برخیزانده شدند، پیشاپیش کاروان به سوی اورشلیم رهبری می‌کنند، و نمایانگر «مہر خدا» و «معجزه تاج‌بخش» هستند که بر الوهیتِ مسیح شهادت می‌دهد. این رستاخیز، پایان مہر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌سازد، که در زمانی واقع می‌شود که چهار باد، باد شرقی، باد سخت، که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وزیدن گرفت، بازداشته شده است.

در ساعتی که همان قانون یکشنبه است، آن بادها رها می‌شوند تا دآوری کیفردهنده را بر وحش زمینی مکاشفہ سیزده نازل سازند. آنان هم‌اکنون نیز از میان انگشتان آن چهار فرشته‌ای که در دوران مہر کردن ایشان را باز می‌دارند، به تدریج در حال لغزیدن‌اند. یکی از عمیق‌ترین اشارات در روح نبوت، در ارتباط با روز باد شرقی، در جلد نهم «شهادت‌ها» یافت می‌شود. آن جلد، سخنان الهام‌شده را از صفحہ یازده آغاز می‌کند؛ از این‌رو، به‌طور نمادین بر «نه-یازده» آغاز می‌گردد. عنوان آن فصل «بحران نهایی» است، اما همچنین نخستین فصل از بخشی با عنوان «برای آمدن پادشاه» نیز هست.

هیچ شواهدی وجود ندارد که بخش و عنوان فصل عمداً از سوی ویراستارانی که آن مجلد را گردآوری کردند دست‌کاری شده باشد؛ با این همه، آمدن پادشاه به آسانی به منزله آمدن داماد شناخته می‌شود؛ همان امری که در مثل ده باکره، با بحران نیمه‌شب رخ می‌دهد؛ بحرانی که در باکره‌ها، به واسطه وجود یا فقدان روغن در ظرف‌هایشان، پدید می‌آید. بحران نیمه‌شب که اکنون در حال فرا رسیدن است، همان است که عنوان نشان می‌دهد—آخرین بحران برای ده باکره. در آن بحران، ایشان آشکار می‌سازند که آیا روغن دارند یا ندارند. روغن صرفاً روح القدس نیست، بلکه به‌طور دقیق به عنوان روح القدس، و نیز به عنوان پیام درست، و نیز به عنوان سیرت درست، تعریف شده است.

روش درست، پیام درست فریاد نیمه شب را برقرار می سازد، و آن پیام، هنگامی که پذیرفته شود و بر طبق آن عمل گردد، شخصیت درست را پدید می آورد. آن شخصیت در بحران آخر، همان شخصیتی است که مهر خدا را دریافت می کند. فرایند مهر نهادن بر قوم خدا با فرارسیدن روز باد شرقی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آغاز شد. پیام آن زمان می بایست سپس خورده شود. اینکه بخورند یا نخورند، به وسیله «مباحثه»ی اشعیا نشان داده شده است، و نیز به وسیله پرسش حقوق درباره اینکه دیده بانان در آن مجادله چه پاسخی باید بدهند. زمان تأخیر متی بیست و پنج و حقوق با نمودار شدن دو طبقه از پرستندگان به پایان می رسد. زمان تأخیر، که در باب یازدهم مکاشفه به وسیله سه روز و نیم به تصویر کشیده شده است، نزدیک به پایان است.

آن زمان تأخیر همچنین در آغاز آن فصل در جلد نهم، با عبارتی از عبرانیان، نمایانده شده است؛ جایی که پولس آیه چهار باب دوم حقوق را به گونه ای بازگویی می کند. ارجاع پولس، حقوق ۲ را در جنبش فرشته سوم قرار می دهد، زیرا در همان تاریخ بود که مسیح به مکان اقدس داخل شد، و در همان تاریخ نور خدمت کهنات اعظم او آشکار گردید، و در کتاب عبرانیان است که پولس روشن ترین مکاشفه از خدمت کهنات اعظم مسیح را در کلام خدا آشکار می سازد.

حقوق ۲ في حركة الملك الأول لم يكن قد أدرك بعد حركة المسيح إلى قدس الأقداس، لأن ذلك لم يحدث إلا عند نهاية إعلان صراخ نصف الليل. ووقت الإبطاء الذي أشار إليه بولس هو وقت الإبطاء المذكور في حقوق ومتى، لكنه هو وقت الإبطاء الذي كان سيبدأ في 18 يوليو 2020. وتمثل الآية الأخيرة من حقوق ۲ ختام صراخ نصف الليل في التاريخ الميليري، ومجيء الملك الثالث:

لیکن خداوند در هیکل مقدس خویش است؛ تمامی زمین پیش روی او خاموش بماند. حقوق ۲:۲۰.

شهادت، جلد نهم، از صفحه یازده (نه-یازده) آغاز کرده، بر مَثَل ده باکره، زمان تأخیر و ارتباط آن با حقوق و متی، و نیز بحران نهایی و یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که مناظره نبوی فرا رسید، تأکید می ورزد.

"سیکشن 1—بادشاه کی آمد کے لیے"

«زیرا اندکی دیگر، و آن که باید بیاید خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد.» عبرانیان ۱۰:۳۷.

«بحران آخری»

«ما در زمان آخر زندگی می کنیم. نشانه های زمان که به سرعت در حال تحقق اند، اعلام می دارند که آمدن مسیح نزدیک است. روزهایی که در آن ها زندگی می کنیم، ایام خطیر و مهمی هستند. روح خدا به تدریج اما به طور یقین از زمین برداشته می شود. بلاها و داورهای هم اکنون نیز بر خوارشمارندگان فیض خدا فرود می آیند. مصیبت های خشکی و دریا، وضعیت ناپایدار جامعه، و هشدارهای جنگ، شوم و هشداردهنده اند. این ها از رویدادهای نزدیک شونده ای با عظیم ترین اهمیت خبر می دهند.»

عوامل شر اپنی قوتوں کو یکجا اور مستحکم کر رہی ہیں۔ وہ آخری عظیم بحران کے لیے اپنی طاقت بڑھا رہی ہیں۔ ہماری دنیا میں جلد ہی بڑے بڑے تغیرات رونما ہونے والے ہیں، اور آخری حرکات نہایت تیز ہوں گی۔

"وضعیت امور در جهان نشان می دهد که زمان های پر آشوب درست بر ما فرارسیده است. روزنامه های روزانه از نشانه های نبردی هولناک در آینده ای نزدیک اند. دزدی های جسورانه به کرات رخ می دهد. اعتصاب ها رایج است. دزدی ها و قتل ها از هر سو ارتکاب می یابند. مردانی که گرفتار دیوها شده اند، جان مردان، زنان، و کودکان خردسال را می گیرند. انسان ها شیفته فساد

شده‌اند، و هر نوع شرارت حاکم است.

«دشمن در منحرف ساختن عدالت و آکنده کردن دل‌های انسان‌ها از میل به سودجویی خودخواهانه کامیاب شده است.»

«عدالت از دور ایستاده است، زیرا راستی در کوچه‌ها افتاده است، و انصاف نمی‌تواند داخل شود.» اشعیا 59:14. در شهرهای بزرگ، انبوهی از مردم در فقر و تیره‌روزی زندگی می‌کنند و نزدیک به آن‌اند که از خوراک، سرپناه و پوشاک بی‌بهره باشند؛ حال آنکه در همان شهرها کسانی هستند که بیش از آنچه دل‌آرزو تواند کرد در اختیار دارند، در تجمل زندگی می‌کنند، و پول خود را صرف خانه‌های مجلل و آراسته، زینت شخصی، یا بدتر از آن، ارضای امیال نفسانی، مشروبات الکلی، تنباکو، و چیزهای دیگری می‌کنند که قوای مغز را از میان می‌برد، ذهن را از تعادل خارج می‌سازد، و جان را به فساد می‌کشاند. فریادهای بشریت گرسنه به حضور خدا برمی‌خیزد، در حالی که انسان‌ها با هر گونه ظلم و باج‌ستانی، ثروت‌های عظیم بر هم می‌انباشند.»

«در یک occasion، هنگامی که در شهر نیویورک بودم، در season شب فراخوانده شدم تا ببینم ساختمان‌هایی طبقه بر طبقه به سوی آسمان سر برمی‌آورند. این ساختمان‌ها به‌عنوان نسوز تضمین شده بودند، و برای جلال بخشیدن به مالکان و سازندگان‌شان برپا شده بودند. این ساختمان‌ها بالاتر و باز هم بالاتر اوج می‌گرفتند، و در آنها گران‌بهاترین مصالح به کار رفته بود. آنان که این ساختمان‌ها از آن ایشان بود، از خود نمی‌پرسیدند: «چگونه می‌توانیم خدا را به بهترین وجه جلال دهیم؟» خداوند در اندیشه‌های ایشان نبود.»

«با خود اندیشیدم: "آه، کاش آنان که بدین‌گونه دارایی خود را صرف می‌کنند، می‌توانستند راه و روش خویش را آن‌گونه که خدا می‌بیند ببینند! ایشان بناهای باشکوه بر هم می‌افرازند، اما برنامه‌ریزی و تدبیرشان در نظر فرمانروای جهان چه اندازه ابلهانه است. آنان با تمامی قوای دل و ذهن در پی آن نیستند که چگونه خدا را جلال دهند. این را، که نخستین وظیفه انسان است، از نظر دور داشته‌اند."»

«چون این بناهای بلند برپا می‌شد، مالکان با غروری جاه‌طلبانه شادمان بودند که پولی دارند تا آن را در ارضای نفس خویش و برانگیختن حسد همسایگان‌شان به کار برند. بخش بزرگی از پولی که بدین‌سان سرمایه‌گذاری کردند، از راه اجحاف، از راه در تنگنا نهادن و فرسودن فقرا به دست آمده بود. آنان فراموش کردند که در آسمان حساب هر معامله تجاری نگاه داشته می‌شود؛ هر دادوستد ناعادلانه، هر عمل متقلبانه، در آنجا ثبت می‌گردد. زمانی فرا می‌رسد که انسان‌ها در فریبکاری و گستاخی خود به نقطه‌ای خواهند رسید که خداوند اجازه نخواهد داد از آن فراتر روند، و خواهند آموخت که برای بردباری یهوه حدی هست.»

«صحنه‌ای که سپس در برابر من گذشت، هشدار از آتش‌سوزی بود. مردان به ساختمان‌های بلند و به اصطلاح ضد حریق می‌نگریستند و می‌گفتند: "آن‌ها کاملاً در امان‌اند." اما این ساختمان‌ها چنان سوختند که گویی از قیر ساخته شده بودند. ماشین‌های آتش‌نشانی هیچ کاری نمی‌توانستند برای جلوگیری از ویرانی انجام دهند. آتش‌نشانان قادر به به‌کار انداختن ماشین‌ها نبودند.»
Testimonies, volume 9, 11-13

«مباحثه‌ای» که در آغاز دوره‌ای که باب اول دانیال آن را به تصویر می‌کشد رخ داد؛ و نیز در آنچه باب‌های اول تا سوم دانیال نمایندگی می‌کنند؛ و نیز در تاریخی که از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز می‌شود؛ و نیز در تاریخ باب ششم یوحنا، در بحران جلیل؛ و نیز در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰) بازنمایی شده است، اکنون بار دیگر تکرار می‌شود؛ نه در درون ادونتیسیم به‌طور کلی، بلکه در میان استخوان‌های خشک مرده‌ای که به‌وسیله «آوازی» که در بیابان ندا می‌دهد از رخوت خویش بیدار می‌شوند.

ما در مقاله بعدی به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت کہ روش شناسی، همان باران آخر است، چنان کہ در فصل های بیست و هشت و بیست و نهم کتاب اشعیا به تصویر کشیده شده است.

اور میں نے خداوند کی آواز سنی جو فرما رہا تھا، میں کسی بھیجوں، اور ہماری طرف سے کون جائے گا؟ تب میں نے عرض کیا، میں حاضر ہوں؛ مجھے بھیج۔ اور اُس نے فرمایا، جا، اور اس قوم سے کہہ، تم سچ مچ سنو گے، پر نہ سمجھو گے؛ اور سچ مچ دیکھو گے، پر نہ بوجھو گے۔ اس قوم کے دل کو موٹا کر دے، اور اُن کے کانوں کو گراں کر دے، اور اُن کی آنکھیں بند کر دے؛ ایسا نہ ہو کہ وہ اپنی آنکھوں سے دیکھیں، اور اپنے کانوں سے سنیں، اور اپنے دل سے سمجھیں، اور رجوع لائیں، اور شفا پائیں۔ تب میں نے عرض کیا، اے خداوند، کب تک؟ اور اُس نے جواب دیا، جب تک شہرے باشندہ ویران نہ ہو جائیں، اور گھر آدمی سے خالی نہ ہوں، اور ملک بالکل سنسان نہ ہو جائے، اور خداوند آدمیوں کو دور ہٹا دے، اور ملک کے بیچوں بیچ بڑی ویرانی واقع ہو۔ لیکن اُس میں ابھی ایک دسواں حصہ باقی رہے گا، اور وہ پھر لوٹے گا، اور کھایا جائے گا؛ چیسے بطم اور بلوط، جن کا تنا اُس وقت بھی باقی رہتا ہے جب وہ اپنے پتے گرا دیتے ہیں: اسی طرح مقدس نسل اُس کا تنا ہوگی۔
یسعیاہ 6:8-13.